ایرانیان و فرهنگ غرب در دوره قاجار

نویسنده

لطف الله لطفی
مقامه

شکست ایران در جنگ با روسیه‌ها در سال‌های ۱۲۱۸ تا ۱۲۴۱ تا ۱۲۳۳ هق از سوی انگلیس در زمان محمودشاه، بحرانی را در جامعه ایران ایجاد کرد. بود که طیف نوادنشین‌ها هیأت حاکم‌های ایران را با هدایت‌های خود به کشور توانست چهارمین روز آورده؛ اما عدم تأمین در میانی و مبادی فلسفی طبعیت‌شناسی قدیم و جدید از سوی نوادنشین‌ها هیأت حاکم‌های دربار قاجار همچون عباس میرزا، میرزا عیسی فراهانی (میرزا بازرگ قائممقام اول) و فرزنده میرزا ابوالقاسم قائممقام قائممقام (قائممقام ثانی)، امیرکبیر، سهیسالار، اعتضادالسلطنه، اعتمادالسلطنه و ... آنان را روبه‌رو به غرب به سوی مدرن‌زایی‌های در ایران هدایت کرد. برخی دیگر از نوادنشین‌ها عصر قاجار همچون میرزا فتحعلی آخوندزاده، میرزا آقا‌خان کرمانی، میرزا امکان خان، عبدالرحیم طالبوف، از منتقل‌گر به روند نوسازی و اصلاحات هیأت حاکم‌های دربار قاجار پیاده و مدرن‌زایی‌های را فقط در چهارچوب مدرن‌سیم قابل اجرای دانستند.

این در روبروی این دو گروه نوادنشین به غرب به رغم اینکه موجبات آشتیای ایران‌نیای عصر قاجار را با طبعیت‌شناسی جدید را فراهم کرد، اما آن آثار و نتایج عمیق را که طبعیت‌شناسی جدید در غرب در ساختارهای علمی، سیاسی، اجتماعی آشتیای ایرانیان کرد. بود، در ایران عصر قاجار موجود نیاورده و این به دلیل عدم آشتیای نوادنشینان عصر قاجار از مباینی و مبادی فلسفی علوم جدید بود.

از سویی دیگر دسران حوزه فلسفی ایران عصر قاجار همچون ملاعلی نوری، ملاعلی سبزواری، ملاعلیزاده نوری، آقاعی مدرس اولی اکبرگلی، میرزا بیل‌حسن جلوه و میرزا اکبر مدرس پرزی؛ در مواجهه با هستی‌شناسی، طبعیت‌شناسی و معرفت‌شناسی جدید، به چای اینکه به تأمین فلسفی نوین بیپردازند به شرح و بسط
ما بعد الطبيعه ستئی زمان خود بر آمدند. در قرن نوزدهم ميلادي، بدون وجود حوزه فلسفی توامهی در عصر قاجار، حاصل روایتی ایرانیان با غرب در پروازه مدرنیزاسیون و مدرنیسم بود که در واقع بیننگر کر شکاف بیداری در هستیشناسی، طبیعتشناسی و عرف شناسی سنتی و مدرن است. در روایتی ایرانیان با فرهنگ و تمدن غرب، آنچه که محققان بیشتر به آن اقبال نشان دادند مفهومهای سياسي و اقتصادي بود تا مفهومهای فلسفی؛ این نوشته در تلاش است تا به مفهومهای فلسفی و آسیب‌شناسی فلسفی این روایتی بپردازد.

1. Fundamental breach
فصل اول

وجودشناسی عصر قاجار

انتوئژی یا وجودشناسی از ارکان اساسی فلسفه اسلامی به شمار می‌رود که با گستره‌ای از این سیتا نا ملاصدرا می‌توان شاهد ارتباط عمیق مباحث وجودشناسی و ماهیت فلسفی بود. در این ارتباط مفاهیم فلسفی نیز معدود و مفهوم خود را بیان می‌کند.

با توجه به رویکرد ایرانی به غرب، وجودشناسی حکم‌بان عصر قاجار اهمیت خاصی در ماهیت فلسفی مشاهده می‌شود، اشاره و متعالی خواهیم پرداخت.

وجودشناسی ابن سینا

دیدگاه ابن سینا در وجودشناسی بر پایه مهم‌ترین توازن طبیعی است، اول توازن بین ماهیت و وجود، دوم توازن بین وجود، امکان و انتخاب. این توازن بین ماهیت و وجود، طریق بهبودی‌برنده‌ی تحلیل عقلی جهان محسوب می‌گردد و توازن بین ماهیت و وجود از آنجایی که به ماهیت حقیقت و واقعیت می‌خشد، از اصل برخوردار است و ماهیت نیز حاصل وجودی مشاهده می‌گردد که به وسیله تحلیل عقلی انتزاع یافته است.

توازن میان وجود، امکان و انتخاب با توازن میان ماهیت و وجود ارتباطی تام دارد، به طوری که با یک انتزاع ذهنی، شیء‌ای که نمی‌تواند پذیرایی وجود یا بندهای آن شیء

2. ontology
3. essence
4. existence
ممتین است، همانند شریک الکاری، و اگر وجود و عدم برای ماهیت شیء مساوی باشد و در هر دو صورت موجب تناقض یا امتیاز نیست. آن شب، ممکن وجود است.

ممکنات نیز در نوع است، ممکناتی که بنابر ارادة واجب‌الوجود، واجب شده‌اند، مجردات یا جواهر عقلانی نامیده می‌شوند. و دیگر ممکناتی که تناهی می‌آیند، بدون آنکه هیچ ضرورت و وجویی به آنها تعلق گیرد، مخلوط عالم کون و فاسدند. و نهایتاً اگر ماهیت قابل انفعال از وجود نیست و نسبت آن موجود تناقض و یا امر محال گردد. چنان موجودی واجب است که واجب‌الوجود یا نام گیرد. و از آن جهت که ماهیت و وجودش یکی است، وجود او عین ذات (ماده‌ای) است، وجود او عین حیات اوست. این سنین ممکنات را نیز به سه «جوهره» که مراتب عالم را تشکیل می‌دهد تقسیم کرد است.

اول، مجرد از ماده و قوه که عقل نامیده می‌شود. دوم، پذیرای صورت دیگر موجودات است که خود نیز به در دسته تقسیم می‌شود:
الف: حدای از ماده در افعال نیاز‌مند ماده و تقسیم‌بندید است که نفس نام دارد.
ب: تقسیم‌بندید و مشکل از طول، عرض و عمق است که جسم نام دارد.
بنابراین تقسیم وجود به واجب ممکن، جواهر و ممکن و موجود، و ممکنات به جوهر و عرض، و جواهر به مفارقات و نفس و جسم، پایه و اساس وجود‌شناسی این سیاست و محور اصلی تحقیق و مطالعه در جهان شناسی و طبیعت شناسی محسوب می‌شود.

این سنین در وجود‌شناسی کوشید تا امکانی بودن عالی را اشکال کند، در بحث از

5. impossible being
6. possible existent
7. generation and corruption
8. البنا، دانش‌های عقلانی، الهیات با مقه‌ها و حواشی و چسبانی محمد معین، جلد دوم، ۱۳۹۲، انتشارات ده‌گانه، صص. ۱۱-۱۷.
9. existed by necessity
10. البنا، همانند ارسطو، ماهیت به دو مقوله بوده، یک جوهر و هره عرض، جوهر ممکن‌الوجود است که در وجود و ماهری خارجی قائم به ذات است در حالی که عرض در هستی خارجی خود قائم به ذات یافته است.
11. البنا، دانش‌های عقلانی، الهیات، صص. ۱۱۵-۱۱۷.
12. substantia et accidents
وجودشناسی عصر ناهار

در پی نقش عقل، به نقش نفس و طبیعت و عنصر در تکوین عالٔم و مراتب وجود خواهیم رسید. این سینا طبیعت را عقل حکمت عنصر در عالم کون و نفس می‌داند. و موجودات عالم کون و نفس از چهار عنصر آتش، هو، آب و خاک، ترکیب یافته‌اند. نقش دیگر عنصر در ترکیب یافتن عالم کون و نفس، شکل‌گیری جمادات و نفس حیوانی است.

ابن سینا در بحث‌زده وجودشناسی، به نقش و عملکرد فرشتگان در جهان‌شناسی، معروفت‌شناسی و سیر و سلوك معنوی آدمیان می‌پردازد. به طوری که نقش فرشتگان را در تکوین و آفرینیش عالم برای فرشتگان نقشی محوری و اساسی می‌داند.

بعد‌ها سهروردی در مشرب فلسفی اشراق، هستی‌شناسی ابن سینا و ارتباط آن با فرشتگانی را تکمیل کرد.

وجودشناسی سهروردی

اشراقیون برخلاف مشایلیان که از ارسطو منادر بودند، آنان از تعیینات فیاناوورشی - افلاطونی، سنت هوموس و حکم‌های زرتشتی ایران باستان منادر بودند که شیخ

13. coming into being
14. ابن‌سینا، خلق‌ترا همان تعلق خداوند، از خود می‌دانندک، موجب خلق موجودات گردیده است.
15. first intellect
16. first heaven
17. ر. ک. ابن‌سینا، شفاهه، وفات، صص ۱۸ و بعد.
18. astrology
19. ر. ک. ابن‌سینا، کتاب هانزه کریم تحت عنوان ابن‌سینا و فرشتگانی، به نقش آنها حکم مسلمان می‌دهد، صص ۳۲ ۳۳Avicenna and the visionary Recital
شهاب الدين سهروردی در رجستن نماینده این مشرب است. آنچه در وجودشانی
سهروردی اهمیت دارد، نقشی است که نور به منزله حقیقت الهی و سرچشمه هستی و
کسب معرفت موجودات نسبت به خودشان، اهمیت دارد.

سهروردی در مخالفت با یا و اساس وجودشانی مشایی که همان تفسیر سگانه
وجود به واجب، ممكن و ممتنع است، وجودشانی خود را بر پارام اشراق با تفسیر
به نور و ظلمت بنا می‌کند: از نظر او نور بر دو نوع است: در صورتی که آگاه به خود و
قائم به خود باشد آن را «نور مجرد» نامید که عبارت از ذات باری تعالی و عقول عصره و
اگر شیء آگاه به خود باشد اما قائم به خود نباشد، آن را «نور عرضی» نامید. همانند انوار
موجود در ستارگان و آتش و انسان و... ظلمت نیز بر دو نوع است. در صورتی که آگاه به
خود نباشد وی در وجود خارجی قائم به خود باشد آن را «فسق» "گویند مانند اجسام.
و اگر شب آگاه به خود نباشد و قائم به خود هم نباشد آن را «هستی» گویند مانند سفیدی
و سیاهی... بدون ترتیب همه حقیقی ترکیبی از مراتب نور و ظلمت است.

سهروردی در جگونگی بیدایش کلاره عالم بر مبنای قاعده فلسفی «الواحد لا
یصدرونه ال‌الواحد، اولین افاضه و صادر گرفتن «نورٔالانوار يا نورٔالعظمت» را فرضت می‌کرد
یا «نورٔالانوار» می‌خواند؛ نورٔالانوار از طریق تعقل در نورٔالانوار به اشراق نائل می‌گردد
که این اشراق خود نورالافهر جدیدی بوجود می‌آورد که از دو سو به اشراق نائل
می‌شود؛ یکی به طور مستقیم از نورٔالانوار و دیگری از نور او. این حامل اشراق بدين ترتیب
ادامه می‌پدید و نور سوم، جهان به اشراق نائل می‌شود، دوبار از نور قبیل یک بار از
نور او و یک بار از نور الانوار، و نور چهارم نیز به همین بار اشراق نائل گردد،
چهاربار از نور پیلی و دوبار از نور دوم و یک بار از نور الانوار. ۱۱

بنا بر این در وجودشانی سهروردی سلسله مراتب جهان به منزله اشراق‌هایی از
نورانوار است. نورانوار به گونه‌ای روی ۱۳ حضور خود را در عالم آشکار می‌کند، به
طروری که هر موجودی بر حضور او گواهی می‌دهد. ۲۲ سهروردی در این سلسله مراتب،

۲۰. not light, darkness

۲۱. سهروردی، گروهی مسائل شیخ اشراق، به نصح و مقدمه‌های کریم ج. انجیس مکتی و فلسفه
ایران، مص. ۱۷۰-۱۷۵۶.

۲۲. allusiveness

۲۳. مانند خوشیدن در اساتید این شیعه از نور اسید در نفس انسان.
نفس فرشته‌گان را از دیدگاه فرشته‌شناسی زرتشتیان و میل افلاطونی بیان می‌کند.

فرشته‌گان در نرد سه‌رویدی موجودات ذهنی نبستند بلکه عینی است و در تغییرات و تحولات عالم نفس حیاتی را ایفای می‌کند و فرشته‌گان را همچون "رباب الانتو" در عالم می‌دانند.

سهروردی، در خصوص اجسام نیز بر مبانی نور و اشراق تقسمی را بیان می‌کند که بر پایه آن اجسام یا ساده‌اند یا مركب. این دسته از اجسام ساده که مانع نوراند "حاجز" و آنها که مانع نور نباشند "طبیعی" و آنها که قابل تغییر نور به درجات مختلف و همگون‌اند "مقصود" نام می‌گیرند. 16 ترکیب عناصر یا اجسام ساده باعث شکل‌گیری عناصر مركب همچون معدن‌ایان، نباتات و حیوانات می‌شود. در عین حال هریک از عناصر مركب نیز در سیستم نور یا فرشته‌ای است.

بنابراین، مراتب گوناگون نور موجب تغییرات و تحولات در عالم خواهد بود.

ویژگی‌شناسی عرفان

در ویژگی‌شناسی عرفان، در خلاف فلسفه‌های متعاقب‌که موجودات به منزله تجربیاتی از حدآورد. هستند که از هرگونه تعبیر حتی از تجربیات تعیین که تعیین وجود این برتر می‌باشند و کتاران عالم نرد آنان و همی و خیالی است و سراسر هستی جلوه حق و عالی اتصال و ارتباط با حق است. و به دلیل تعیین تجربی است که هر موجودی موجود است و عدم ثبوت و عالم با تمام اختلافات که در آن است، صبحی نیست مگر مظاهر متعدد و وجود حضرت حق که یک وجود پیش نیست که آن را از منظر حق می‌گریم، و از منظری دیگر خلک می‌گریم.

در نرد عرفان، از انگلیسی که ذات حق برتر از هر تعبیر، تخصصی و صفاتی است؛ خداوند از طریق اسامی و صفات که رب‌الوعه‌ای در عالم متجلى می‌گردد. بدین سان اسماء و صفات نفس معمولی را در خلق و در سفر روحانی و معنوی انسان عهد‌دادار.

24 مقاله: "شیوه‌های مه‌هیات مقوله مصرفی نصر: کتاب تاریخ فلسفه و اسلام ج 1 م هیریزب منیر
25 مه‌هیات مقوله مصرفی نصر: "مقدمه و مقدمه هری کریم ج 5 انجمن حکمت و فلسفه
26 ایران، ص 187
27 ایران، ص 187-188
28 ایران، ص 199-200
می باشند و عارفان نیز با معرفت از وحدت خویش یا انسان کامل، به مرتبت خواهند، رسیده که خداوند اسماء و صفات خود را در آنها می‌گذارد و به میزانی که وجدوانش را پالا شده و با مشاه دنیایی خود ارتباط ایجاد کند و معروف به موجودات می‌سازد. به طوری که هستی و معرفت انطباق پیدا می‌کند و به‌این‌گونه آموخته به معرفت حق نائل می‌شود.

این همه عکس می‌توانند نگارنده‌ی تجربه‌ای باشد که در جام‌الافتاد عارفان در وجودشناختی در تفسیر از نسبت خداوند و عالمنگری، فلسفه معتقد بودند که نسبت خداوند به عالم نسبت ظاهر و مظهر است. نسبت به عارفان در تمام مظاهر عالم حضور دارد. می‌دانستند و معتقد بودند که خداوند در مظهر خود حضور و ظهور دارد به طوری که ظهور او و مظهر او و عین ظهور و حضور او است، به‌سادگی در نزد عارفان میان خداوند و عالم هیچ‌فرآیند جدایی و حتی در قالب عقل و عمل معنی ندارد و جهانه نمظاهر خداوند بلکه عین ظهور خداوند است. عارفان در وجودشناختی با ذکر عوالم، در حالی می‌باشند که ارتباط مراتب جهان را با مبدأ آن بیان نمی‌کنند. این عوالم مبتنی بر جهان، «عالم ملاکن»، ۱/۹ که عالملگری است و از میاندها تعبیه برتر است. «عالم لاهوت»۱۹ که مربوطی‌ای می‌باشد که وجود ازهی خود را در صفات خویش نمایان می‌کند. «عالم ملکوت»، ۱/۳ شامل انوار ظرفیت و جواهر نظامی است. «عالم ناسوت»۱۹ که شامل صورت‌های و جسمانی است.

در بیان چچگونی تکوین و پیدایش عالملگری، عارفان صادر اول را «عقل اول» می‌دانند که همان زوج محمدی صلوات‌الله علیه و آله است. ۳/۳ عقل اول و حاکمت محمدی صلوات‌الله علیه و آله به میزان نخستین تنزل خداوند افاضه هستی، موجودات را به عهده‌دارند. و تمامی موجودات تحت سیطره‌هستی آن هستند. در نگاه عارفان، صادر ۲۸- world of absolute ۲۹- world of negation ۳۰- world of power ۳۱- world of pure intelligence ۳۲- world of body ۳۳- چنانکه پایام صلوات‌الله علیه و آله فرموده‌اند: اول مانخلاءت نوری، ناظر به همین معنا است.
وجودشناسی ملاصقا

صدرا بر مبانی اصالت وجود ۷۴ تحولی را در وجودشناسی گذشته‌گان بوجود آورد.

۳۲. بیاید اطلاع بیشتر رجوع کنید به: نقدهایی در سوال نهایی قلم چهارم، ص ۳۳۳.
۳۳. عفوان بنری، کتابی درباره حضرت سید معین خانم، جلد چهارم، ص ۳۳۳.
۳۴. سمحت‌ها و گفتگوها در سوال نهایی، ترجیح نظام یکم آری، ص ۳۳۳.
۳۵. حسن میلانی و دیک ندیمی، ص ۳۳۳.
۳۶. نهرو، ص ۳۳۳.
این تحول را به خویش می‌توان در مباحث فلسفی همجنون وجود و تشکیک آن، حکمت جوهری، علم و رابطه عاقل و معقول و نفس، می‌شناسیم.

از جمله مباحث مورد نظر فلسفه بحث از اصل بودن وجود یا ماهیت است. هیچ‌یکی از ماهیت‌های اصلی بودن وجود به مرحله واقعیتی خارجی، نه ذهنی، قابل بودن در حالیکه ادیانی که سه‌روهی و میرداماد نمایندگان برخی آن می‌باشند برخلاف ماهیت را چنین جز عرض نمی‌دانند. باید بودن که وجود عرض است و اصل آن ماهیت می‌باشد. این راستا همگون ماهیت و عرفان باید به اصل وجود بود. صدرا نظر ماهیت در ارتباط با وحدت وجود و ماهیت آن را که وجود هر چیز دیگر است، نمی‌پذیرد. بنابر نظر صدرا، وجود در هر یک جزء نیست که دارای مراتب و شدت و ضعف است. و تفاوت موجودات در واقع حکایت از مراتب شدت و ظهور آنها می‌کند. موجودات در ظهور، تعیین‌ها در حقیقت واحد بعضی وجود می‌باشد و این تعیین‌ها به صورت ماهیات به وسیله ذهن انتخاب می‌شوند. گرچه نظر صدرا در وحدت وجود و تشکیک آن در گذشته توسط عرفان بیان شده است، اما اهمیت این نظریه در نزد صدرا، بکارگیری آن به مرحله یک اصل مهم فلسفی می‌باشد. نزد صدرا وحدت وجود، وحدت ماهیتی است. با دیدن ماهیت وجود در عین‌الیه واحد بودن دارای مراتب و درجات است. بالاترین مراتب وجود، واجب‌الوجود است. ماده و موجود جسمانی نیز از پالایش مراتب وجود برخوردار است. وی برخلاف سه‌روهی که وحدت تشکیکی را نه در مجرداد می‌داند، قائل به وحدت تشکیکی در کل موجودات حس می‌شود.

صدرا در تشکیل و وجود را به "وجود ارتباطی" و "وجود نفسی" قسیم می‌کند. وجود ارتباطی موجود است که موجب ربط موضوع به محصول می‌شود. مانند انسان حیوان ناطق و موجود نفسی وجودی است. ماهوت نفسی موجود است. در آن زمان نیز به همان نیز به سه نوع می‌باشد. "جوهر" که در عالم خارج صفت شهر دیگری نمی‌باشد. "عرض" که صفت شهر دیگری است، "خدایان" که جز خود علیه ندارد. البته صدرا از منظریه دیگری، وجود کل موجودات جز خداوند را وجود رابط می‌داند. قسیم‌بندی دیگری که

36. basicity of being  37. graded unity of being

38. ملاصدرا، اسفیا، اول، کتاب اول.
صدرا همچون برخی از فلاسفه و متکلیون می‌پذیرد. تقسیم وجود به "واجب"، "ممکن" و "ممت洙" است. که در وجودشناسی این سیتا از آن یاد شد.

صدرا در بیان چگونگی پیدایش کتار عالی بر منابع قاعده فلسفی "واحدالا" یا صدر عنده آلواحد" 39 و اینکه از ذات حتی تنها یک موضوع یبه صادرا بیشتر تجلی خداوند را "وجود مناسب" 40 عقل اول، "فسق مقدس" ویا "حقیقتالحاصل" می‌خواند. این صادر اول را همانطور که بیان گردید. سرفا به حقیقت محمدی تعبیر می‌کنند.

بنابراین، علت هستی تمام موجودات عالم، وجود مناسبه است که خود تختین تخلیه و تغییر اول خداوند می‌باشد. و بدین ترتیب خداوند علت و غایت تمام موجودات است و موجودات نیز در واقع مراحل و مرتب وجود یا خداوند محصول هستی می‌شوند. 41

در وجودشناسی صدرا، وجود در سیر دوقوس نژول و صعود، از همه‌ی اساسی برخوردار است. به طوری که در قوس نژول، وجود از مرتب عقل و عالم ملکوت و عالم برخز تا به موجود جسمانی که بنابر اصل "حرکت جوهری" متحرک بالذات است؛ می‌رسد. و برمیتای حرکت جوهری موجودات، قوس صعودی موجودات آغاز می‌شود.

و سپس انسان در واقع در انتهای قوس نژول و ابتدای قوس صعودی معنا می‌یابد. به طوری که انسان موجب پیوند و اتصال این دو قوس نژول و صعود در هستی می‌شود.

39. unfolded existence 40. emanation

قاعده افاضه و وجود

۴۱ در بیان وجود و احکام مربوط به آن رجوع کرد به کتاب "توجه و تفسیر الشواهد الربیه"، مشهد، اول ملاصدرا، به فلام جواو مصلح چاپ اول، ۱۳۶۶، انتشارات مروش.